

پوسترهایی از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی
در سالن آی ال او نصب شد
صدها نسخه از بیانیه ها و نامه های کارگران ایران
در میان نمایندگان توزیع شد



امسال نیز مثل سالهای گذشته هیأتی از طرف حزب کمونیست کارگری مرکب از شهلا دانشفر، ناصر کشکولی، پاسکال دکامپ و پی یر در اولین روز اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو حضور داشتیم. سازماندهندگان آی ال او که تجربه حضور سالهای قبل ما را داشتند، تمهیدات امنیتی بسیاری بکار برده بودند. در تمام راهها و بخش های مختلف آن پلیس و گارد حفاظت مستقر شده بود. و ما درست در مقابل درب ورودی که نمایندگان وارد میشدند، آکسیونمان را برپا کردیم. در داخل ساختمان آی ال او نیز سه نفر از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی صدها نسخه از نامه های تشکل ها و فعالین

صفحه ۲

به گای رایدر مدیر کل سازمان جهانی کار

اصغر کریمی

صفحه ۳

قصاص را باید به زباله دان انداخت

مصاحبه رادیو پیام با حمید تقوایی

صفحه ۴

آیا اختلافات پایان گرفته است؟ تکلیف "برجام" چه میشود؟

مصاحبه با علی جوادی

صفحه ۷

تحولات اخیر در عراق

عبدل گلپریان

صفحه ۹

شامپاین برای امام حسین!

مصطفی صابر

صفحه ۱۲

سوسیالیسم همین امروز به چه معناست؟

کاظم نیکخواه پاسخ میدهد

صفحه ۱۱

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۶۳

جمعه ۱۴ خرداد ۱۳۹۴، ۳ ژوئن ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

برکناری مدیر کل کار آذربایجان غربی

کافی نیست!

حداقل انتظار کارگران از آی ال او:

اخراج جمهوری اسلامی!

سیاهی پررنگ و کمرنگ ندارد

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

ما روی شما حساب میکنیم!

اعلام کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار

کمک مالی

صفحه ۲

حکومت شلاق باید گوش را گم کند!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

این دیپلماسی ننگین و نفرت انگیز است!

گزارشی از اعتراض به حضور جواد ظریف در سوئد

سیامک بهاری

صفحه ۱۰

اعتراضات در فرانسه شدت میابد

پیام آذر

صفحه ۱۲

پوسترهایی از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی در سالن آی ال او نصب شد صدها نسخه از بیانیه ها و نامه های کارگران ایران در میان نمایندگان توزیع شد

از صفحه ۱



به هر نماینده ای که عبور میکرد تا وارد ساختمان شود، ماتریال میدادیم. اطلاعاتیه های ما شامل نامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی به سازمان جهانی کار و خطاب به نمایندگان اتحادیه های کارگری و نامه های اعتراضی جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، محمود صالحی، تشکل های کارگری به این سازمان بود. نمایندگان با علاقه ماتریال را دریافت میکردند و ما به سوالاتشان پاسخ میدادیم. همچنین نبری را که روی آن نوشته شده بود، جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود را به همراه عکس هایی از جعفر عظیم زاده و عکس جمعی از کارگران و معلمان زندانی بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، علیرضا هاشمی، و همچنین کارگران و

معلمانی که احکام زندان دارند مانند اسماعیل عبیدی، محمود صالحی، داود رضوی، محمود بهشتی و ... در اطراف ساختمان آی ال او نصب کرده بودیم. در این آکسیون همچنین اطلاعاتیه هایی در اعتراض به دستگیری دو نفر از فعالین کارگری در اعتراضات اخیر فرانسه داشتیم که پاسکال دکامب و پیویر از اعضای س ژت آنها را با خود به محل آورده بودند و این اطلاعاتیه ها نیز پخش شد.

پیام ما این بود که جمهوری اسلامی رژیم شلاق و زندان و اعدام و آپارتاید جنسی است نه نماینده مردم ایران. جای اینها پشت میز محاکمه است نه حضور در اجلاس های جهانی. خواست اصلی ما اخراج جمهوری اسلامی و مزدوران خانه کارگر از سازمان جهانی کار بود. خواستهای مشخص ما نیز عبارت بودند از: آزادی فوری جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و سایر کارگران زندانی و لغو پرونده برای سایر کارگران، حمایت از خواستهای اعلام شده در بیانیه مشترک اسماعیل عبیدی و جعفر عظیم زاده و لغو کلیه پرونده هایی که

با اتهام اخلاص در امنیت ملی تشکیل میشود، دفاع از کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی و آزادی بدون قید و شرط آنان، حق تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و ... به عنوان پایه ای ترین حقوق مردم، محکوم کردن جمهوری اسلامی بدلیل جنایات هر روزه و از جمله به شلاق کشیدن ۱۷ کارگر معدن آق دره.

در نامه به آی ال او که همراه با نامه های کارگران و تشکل های کارگری پخش کردیم با استناد به نقض پایه ای ترین حقوق کارگران و با استناد به نقض حتی همان مقابله نامه های سازمان جهانی کار که جمهوری اسلامی نیز یکی از اعضای آنست، اعتراض خود را به حضور رژیم اسلامی در اجلاس جهانی کار اعلام کردیم.

در آخرین بخش از فعالیت در مقابل اجلاس آی ال او پوشه ای از مجموع نامه ها و بیانیه ها را به همراه عکس جعفر عظیم زاده و عکس جمعی کارگرانی که در زندان یا بیرون زندان پرونده برایشان تشکیل شده است، تحویل مقامات آی ال او

دادیم. به این ترتیب ما امسال هم علیرغم همه تمهیدات امنیتی در آی ال او توانستیم صدای اعتراض کارگران، صدای جعفر عظیم زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در اجلاس سالانه این سازمان باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ خرداد ۱۳۹۵، ۳۱ مه ۲۰۱۶

ما روی شما حساب میکنیم!

اعلام کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار کمک مالی

حزب کمونیست کارگری برای تامین مالی فعالیت های خود نیاز فوری به کمک های شما مردم شریف و آزادیخواه دارد.

این حزبی است که بطور خستگی ناپذیر علیه جمهوری اسلامی و برای حرمت و رهایی انسان در عرصه های مختلف مبارزاتی در داخل و خارج کشور تلاش میکند. انجام چنین فعالیت گسترده ای با ابزارهای لازم آن، نظیر تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید، جز به همت و فداکاری کادرها، اعضا و دوستان حزب، از جمله در تامین هزینه های مالی آن، ممکن نبوده و نیست. اکنون حزب در یک وضعیت دشوار مالی قرار گرفته و نیاز فوری به جمع آوری حداقل ۵۰ هزار دلار برای تامین کسری خود دارد.

از شما دعوت میکنیم ما را در تهیه این مبلغ یاری کنید. از شما تقاضا میکنیم که تامین مالی فعالیت های حزب را جزو هزینه های ضروری خود قرار دهید. از طریق تماس مستقیم با تشکیلات ها و فعالین حزب و یا از طریق شماره حسابهای زیر هر قدر که میتوانید کمک مالی کنید. هر دلار و یورویی که برای تامین مخارج حزب جمع کنید و یا بپردازید، کمک میکند تا صف اعتراض کارگری، صف آزادی و برابری را در مبارزه علیه حکومت آیت الله های میلیاردی تقویت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ خرداد ۱۳۹۵، ۱ ژوئن ۲۰۱۶

حکومت شلاق باید گورش را گم کند!

نامه اصغر کریمی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران به گای رایدر مدیر کل سازمان جهانی کار

آقای گای رایدر مدیر کل سازمان جهانی کار

رونوشت: اتحادیه های کارگری و شرکت کنندگان در اجلاس آی ال او

آیا اطلاع دارید که درست در آستانه برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار یکی از دادگاههای جمهوری اسلامی ۱۷ کارگر معدن طلائی آق دره تکاب در استان آذربایجان غربی را با شکایت کارفرما و حراست (ارگان سرکوب کارگران در درون کارخانه) و به جرم اعتراض به اخراج به شلاق بست و به هر کدام از آنها ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق زد؟

این اولین بار نیست که کارگران معترض شلاق میخورند. صدیق امجدی، فارس گوئیان و حبیب الله کلکانی روز ۲۹ بهمن ۱۳۸۶ بدلول شرکت در مراسم اول مه شلاق خوردند. اسفند ۱۳۹۲ پیمان نودینیان را از کلاس درس در سندانج احضار کردند و ۲۰ ضربه شلاق زدند. حکم ۳۷ ضربه شلاق در مورد سیاوش اسلامی روز ۲۳ مرداد ۱۳۹۰ در دادگاه انقلاب اسلامی ساری به اجرا درآمد و همه این موارد به اطلاع شما رسیده است. قربانیان شلاق فقط کارگران نیستند. بارها زنان بدلیل عدم رعایت حجاب اسلامی شلاق خورده اند و همین دیروز ۲۶ مه، ۳۵ دختر و پسر را به جرم جشن فارغ التحصیلی مختلط (دختر و پسر) و صرف مشروب ۹۹ ضربه شلاق زدند.

سابقه سرکوب سیستماتیک جنبش کارگری و دستگیری رهبران کارگری به جرم تلاش برای ایجاد تشکل مستقل از دولت و به جرم سازماندهی اعتصاب و اعتراض به فقر و بیحقوقی را همه شما

میدانید. میدانید که همین الان تعدادی از رهبران کارگری و معلمان بدلیل اعتراض به دستمزدهایی که طبق آمار خود حکومت چهار بار زیر خط فقر است، در زندان به سر میبرند و احکام سنگینی برای آنها صادر شده است. تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری نیز به زندان محکوم شده و هر از گاهی تعدادی از آنها را دستگیر و روانه زندان میکنند.

اینجا حتی بحث از استعمار بیرحمانه و محرومیت کارگران ایران از حق تشکل و اعتراض نیست. اینجا تاکید ما این است که حکومتی که نمایندگانش در این اجلاس شرکت دارند، گستاخی را به جایی رسانده است که کارگر و معلم و جوانان فارغ التحصیل را به شلاق می بندند تا آنها را تحقیر و شخصیت شان را خرد کند و بویژه مانع ایجاد تشکل های مستقل از دولت شود. همین یک مورد شلاق زدن به کارگران و معلمان از جمله نشان میدهد که نمایندگانی که از طرف این حکومت تحت عنوان نمایندگان کارگران در آی ال او شرکت میکنند، در حالیکه هر نوع تلاشی برای متشکل کردن کارگران با سرکوب خشن مواجه میشوند، بخشی از عوامل دست ساز حکومت برای اجرای سیاست های ضد کارگری آن هستند. سوال ما از شخص شما آقای گای رایدر آیا دشوار نیست در کنار نمایندگان چنین حکومتی در یک اجلاس شرکت کنید؟ بین این حکومت با

داعش تفاوتی قائل هستید؟ آیا اینها نباید بجای راه یافتن به آی ال او، به جرم سرکوب هر روزه کارگران مردم محاکمه شوند؟

امسال بیش از هر زمان کارگران و معلمان به اجلاس آی ال او چشم دوخته اند تا ببینند عکس العمل شما در مقابل اتهام امنیتی به هر اعتراض کارگران و دستگیری و زندانی کردن رهبران کارگری در ایران چیست. عکس العمل شما در مقابل مرگ شاهرخ زمانی و حبس های طولانی مدت برای کارگران و معلمان از جمله بهنام ابراهیم زاده، اسماعیل عبیدی، محمد جراحی و جعفر عظیم زاده چیست. عکس العملتان در مقابل رفتار قرون وسطای جمهوری اسلامی علیه کارگران و مردم چیست؟ فی الحال نامه های متعددی از طرف فعالین کارگری از زندان از جمله جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبیدی و بهنام ابراهیم زاده و از طرف همسران کارگران و تشکل های کارگری دریافت کرده اید. امیدواریم کنفرانس سالانه شما به جمهوری اسلامی پاسخ محکمی بدهد. از نمایندگان سازمان های کارگری انتظار می رود که ضمن دفاع قاطع از خواست های پایه ای طبقه کارگر ایران، بخواهند چنین حکومتی از آی ال او اخراج شوند.

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۷ مه ۲۰۱۶

قرون وسطایی ممنوع گردد، کارگران و معلمان زندانی و سایر زندانیان سیاسی که در دادگاههایی فاقد کوچکترین استانداردهای دادگاه محکوم شده اند را فوراً آزاد کند، کلیه پرونده هایی را که برای کارگران و معلمان معترض درست کرده است ملغی کند و اتهام اقدام علیه امنیت کشور از پرونده فعالین کارگری حذف شود.

در نامه دیگری خطاب به اتحادیه های کارگری و سازمان های مدافع حقوق انسان، اصغر کریمی ضمن توضیح شلاق زدن به کارگران و جوانان و احکام صادره علیه کارگران و معلمان زندانی از آنها خواسته است جمهوری اسلامی و سیستم قضایی آنرا بخاطر اعمال سبعمانه اش محکوم کند، فشار بیاورند که جمهوری اسلامی به شلاق زدن کارگران و جوانان پایان دهد و این نوع مجازات های

چند هفته گذشته اتفاق افتاد- همانند سنگسار و قطع اعضای بدن و چشم در آوردن و غیره، اشتباه این یا آن مقام و یا قاضی شرع و دادگاه اسلامی نیست، جزء لایتجزای نظام اسلامی است. آنچه "اشتباه" است نفس قوانین قصاص و قضات شرع و بیدادگاههای اسلامی است. مردمی که در بیانیه ها و طومارهای اعتراضی خود از "توحش نفرت انگیز شلاق" اظهار انزجار میکنند و خواهان لغو آن میشوند در واقع کل سیستم قضایی اسلامی و حکومت متکی بر آنرا بچالش میکشند. این حرکت میتواند و باید تا جوارو کردن کل توحشی که جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده است به پیش برود.

امروز موج اعتراضات مردم علیه شلاق، مقامات جمهوری اسلامی را به غلط کردن انداخته است. این اولین قدم است. میتوان و باید تا لغو کامل و رسمی مجازات شلاق به پیش رفت. باید با صدای بلند اعلام کرد که کل قوانین قصاص و سیستم قضایی جمهوری اسلامی، یک ماشین جنایت است و باید در هم کوبیده بشود. ما مردم با اعتراض و مبارزه متحد و یکپارچه خود میتوانیم نه تنها قصاص و سیستم قضایی اسلامی بلکه حکومت قرون وسطایی متکی بر آنرا از جامعه جوارو کنیم. حزب کلیه کارگران و مردم آزادیخواه را به این مبارزه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

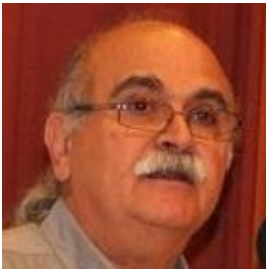
خرداد ۱۳۹۵، ۲ ژوئن ۲۰۱۶

موج وسیع اعتراض علیه شلاق حکومت بر جوانان و کارگران، مقامات حکومت و ارگان های آنرا به محصه انداخته است. خبر به سرعت در جامعه و در سطح بین المللی پیچید و با موجی از انزجار و اعتراض مواجه شد. بطوری که خود مقامات حکومت میگویند «افکار عمومی جریحه دار شده است.» با عجله مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را بخاطر "بی اطلاعی" برکنار کردند و اکنون همه مقامات اظهار بی اطلاعی و اظهار تاسف میکنند. مقاماتی که از ۲۷ و ۲۸ فروردین، روز شلاق خوردن کارگران معدن طلائی تکاب، تا به امروز سکوت کرده بودند و وانمود میکنند که همه بی خبر بوده اند، ریاکارانه به تملق گویی از کارگران تکاب پرداخته اند. این محصه را باید به یک شکست تمام عیار برای حکومت تبدیل کرد.

آنچه حکومت را چنین به دست و پا انداخته است اعلام انزجار از این عمل وحشیانه و محکوم کردن قاطع آن از جانب تشکلهای کارگری، فعالین سیاسی، نویسندگان، زندانیان سیاسی و سازمانها و نهادهای بین المللی و انعکاس گسترده آن در رسانه ها است. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی دست به شلاق میبرد، ولی اولین بار است که چنین یکپارچه و یک صدا با اعلام انزجار و اعتراض همگانی روبرو میشود. مقامات حکومتی تلاش میکنند مساله را به یک حکم معین شلاق و بی مبالاتی و بی اطلاعی این یا آن مسئول تنزل بدهند ولی همه مردم میدانند اساس مساله کل احکام قصاص و سیستم قضایی اسلامی و نظام قرون وسطایی ای است که به چنین قوانین عصر حجر متکی است. به شلاق بستن کارگران و جوانان و زنان - که آخرین نمونه های آن در تکاب و قزوین و مشهد در

قصاص را باید به زیاله دان انداخت

مصاحبه رادیو پیام با حمید تقوایی



اسلامی در این کشمکش از جمله همین قوانین جنایتکارانه قصاص است که علیه مردم آزادیخواه بکار گرفته است.

شما به مساله اعدام اشاره کردید. اعدام در بعضی کشورهای دیگر هم هست و باید از کل جهان برجیده بشود ولی در جمهوری اسلامی که یک دولت رکورد دار اعدام هست بیگناهان اعدام میشوند. و این یک بعد دیگر این جنایت است. اگر پرونده کسانی که به اعدام محکوم میشوند اعم از زندانیان عادی و سیاسی را بررسی کنید متوجه میشوید پایه ای ترین اصول قضا نه در بازداشتها رعایت شده است و نه در روند بازجویی و وکیل مدافع خبری بوده است، نه حقوق متهم رعایت شده است و نه کلا هیچ عدالت و حق خواهی ای در کار هست. همانطور که گفتیم کل این سیستم ضد انسانی است. در چنین سیستمی اصلا امکان اثبات جرم وجود ندارد و همه محکومین در این سیستم از جمله اعدام شدگان از نظر حقوقی و قضائی - حقوق و قضا در قرن حاضر - کاملا بیگناه محسوب میشوند. متوقف کردن اعدام یک خواست و یک آرمان مبارزاتی مهم مردم است و ما خوشبختانه شاهد یک جنبش نسبتا وسیع علیه اعدام در ایران هستیم. جنبشی که در خارج از ایران هم فعال است و هدف توقف و ممنوعیت مجازات اعدام در ایران را دنبال میکند.

نکته دیگر اینست که احکامی نظیر سنگسار و شلاق چنان عقب مانده و وحشیانه و جنایتکارانه است که به نظر من هر انسانی هر جای دنیا بشنود در جامعه ای این فجایع اتفاق می افتد بلند میشود و اعتراض میکند. آنقدر این مساله شنیع است که بهیچوجه قابل دفاع نیست، حتی برای آخوندهای حاکم هم پراحتی قابل دفاع نیست. اینها

سیستم قضائی قرون وسطائی اش باید کنار زده بشود تا اصلا عدالت و قضاوت بتواند معناتی در جامعه پیدا کند.

رادیو پیام: به مساله توقف سنگسار اشاره داشتید که بسیار مهم است. سنگسار عملا برجیده شد. ما در اعتراض به مساله اعدام هم شاهد فعالیت گسترده ای هستیم و در مورد شلاق هم شما میگوئید باید به یک جنبش اعتراضی شکل داد. به نظر شما چرا سنگسار - بالاخره بعد از اعتراضات زیاد - برجیده شد ولی هنوز هم شاهد شیوه های خشونت بار مجازات شبیه اعدام و شلاق هستیم؟ سوال دیگر هم اینست که این خشونت عریان برای جمهوری اسلامی چه سودی دارد؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید از همین نکته آخر شروع کنم. صدور این احکام امری سیاسی است. اعدام و شلاق و سنگسار و کلا قصاص و قوانین اسلامی ابزاری هست برای مرعوب کردن جامعه ای که هیچوقت به این وضعیت تن نداده است. ابزاری است برای عقب نشاندن مردم و ساکت کردن مردم. مثلا در رابطه با حجاب و بدحجابی و امروز دیگر بقول خوشان بی حجابی، که یک وسیله اعتراض زنان علیه جمهوری اسلامی است، حکومت با این نوع مجازاتهای قرون وسطائی بر خورد میکند. زنان کمی نبوده اند که به جرم بدحجابی شلاق خورده اند. این تلاش حکومت است برای جلوگیری از اعتراضات علیه تبعیض جنسیتی.

جمهوری اسلامی از همان ابتدا یک وصله ناجور به تن جامعه بوده است و مردم هیچوقت این حکومت را نپذیرفتند. اکثریت عظیم جامعه فرهنگ دیگری، ارزشهای دیگری، اخلاقیات دیگری و آمل و آرزوهای دیگری دارد که اساسا صد و هشتاد درجه نقطه مقابل قوانین اسلامی و اخلاقیات متحجر و کپک زده ای است که جمهوری اسلامی سعی میکند به جامعه تحمیل کند. بهمین خاطر این کشمکش همیشه وجود داشته است. اسلحه جمهوری

اتمام موعد قراردادهای کارشان بوده است. قراردادهای تمدید نمیکند و کارگران ناگزیر میشوند برای تامین معیشت خود و خانواده هایشان دست به اعتراض بزنند. این همانطور که گفتیم حق هر کارگر است. منتهی جمهوری اسلامی با لباس حقوقی شکایت کارفرما و غیره دست به تعقیب و دستگیری و شکنجه کارگران میزند.

ببینید آنچه در جمهوری اسلامی سیستم قضائی نامیده میشود با هیچ استاندارد، حتی بر مبنای ابتدائی ترین معیارهای دنیای امروز، دستگاه قضائی نیست، مایشین جنایت است. مساله فقط کیفرها و مجازاتها نیست، روند تعقیب و بازداشت، بازجویی، دادگاهها، روند رسیدگی به پرونده ها، و بالاخره احکام و کیفرها، همه اینها هیچ ربطی به قضاوت و دادگستری و عدالت به مفهوم امروزی این کلمات ندارد. این سیستم باصطلاح قضائی را اینها از هزار و چهارصدسال قبل، از دوره جوامع عشیرتی و قصاص و انتقام خونی بین قبایل، اتخاذ کرده اند و میخواهند در دنیای امروز پیاده کنند. به این معنی فقط مساله شلاق نیست بلکه کل این سیستم قضائی جمهوری اسلامی که بر قصاص مبتنی است ناعادلانه است؛ کل این سیستم جنایتکارانه است و باید از جامعه جaro بشود. منتهی در این مورد مشخص ما با شلاق روبرو هستیم. این را هم باید تاکید کنم که میشود با قدرت اعتراض جمهوری اسلامی را عقب نشاند همانطور که در مورد مجازات سنگسار این اتفاق افتاد. عملا جمهوری اسلامی سنگسار را متوقف کرد (اگر هم گاهی دست به این جنایت میزند مخفیانه و دور از چشم مردم است). و این در اثر مبارزه از جمله مبارزات حزب ما علیه سنگسار بدست آمده است. شلاق را هم میتوانیم متوقف کنیم ولی راه حل اساسی نهایتا اینست که کل این سیستم را باید در هم شکست. جمهوری اسلامی با

کرامت انسانی کل جامعه باید بمیدان بیاید. شلاق زدن علاوه بر اینکه یک عمل شنیع و یک شکنجه تمام عیار است، از نظر روحی و روانی نیز به معنی خرد کردن شخصیت انسانها است؛ بی حرمتی و تحقیر به تمام معنا است و به همین دلایل باید با تمام قدرت در برابر این توحش ایستاد و شلاق را ممنوع کرد.

رادیو پیام: همانطور که گفتید این اولین بار نیست که حکم شلاق علیه کارگران معترض اجرا میشود. و این یک شکنجه علنی هست که باید مبارزه علیه آن را جزو دستور کار مبارزات طبقه کارگر گذاشت. ولی شکلی که جمهوری اسلامی این حکم را انجام میدهد به نوعی دست دولت را از این جنایت میسویسد و کارفرما را بعنوان شاکی خصوصی معرفی میکنند. به نظر شما این تا چه حد میتواند روی مبارزات کارگران تاثیر انحرافی داشته باشد؟

حمید تقوایی: به نظر من آن چه این امر نشان میدهد اینست که دولت و کارفرما و بعد هم تشکیلاتهای دست ساز دولت همه اینها یکی هستند و یک نیروی واحد را در برابر کل کارگران تشکیل میدهند. در همین مورد کارگران آق دره اداره حراست و کارفرما از کارگران شاکی بودند و دولت هم فوراً دستگیر کرد و پرونده تشکیل داد و احکام شلاق و زندان و جریمه نقدی علیه کارگران صادر کرد و بعد هم گفتند که شاکی از زندان گذشت کرده است ولی حکم جریمه و شلاق را اجرا کردند. خوب این یک بازی است. کاملا روشن است که در این نوع پرونده سازی ها چه کسانی در مقابل کارگر قرار میگیرند. کارفرمایان، پیمانکاران، اداره حراست، دولت، در مواردی تشکیلهای دست ساز دولتی مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی، اینها همه در یک ردیف قرار میگیرند. در برابر کارگرانی که جرمی و گناهی ندارند بجز دفاع از حقوق خودشان. در همین قضیه آق دره اعتراض کارگران به اخراج بعد از

رادیو پیام: خبر کوتاه در مورد معدن آق دره بسیار انسان را متاثر میکند. در شرایطی که کارگران برای دستمزد و حداقل شرایط زندگی تلاش میکنند ما این چنین شاهد تهاجم به کارگران هستیم آن هم با این بربریت. نظر شما در مورد این نوع مجازات چیست؟

حمید تقوایی: اینجا ما با یک توحش تمام عیار روبرو هستیم. کارگران را بخاطر دفاع از حقوق پایه ایشان دستگیر میکنند و بعد هم به شنیع ترین وضع محکوم میکنند به کیفرهایی که خود این کیفرها جنایت و مصداق کامل شکنجه است. شلاق زدن متعلق به عصر بربریت است، مال دوره برده داری است. جمهوری اسلامی این را تبدیل کرده است به یک نوع مجازات آن هم به چه جرمی؟ به جرمی که در هیچ کشوری که بوئی از تمدن و عدالت برده باشد اصلا جرم محسوب نمیشود. اعتراض کارگر برای بهبود شرایط زندگیشان تنها جرم نیست بلکه حق اوست. این حق باید در همه کشورها به رسمیت شناخته بشود. جمهوری اسلامی این حق را اولاً نقض و لگدمال میکند و بعد هم با چنین قوانین وحشیانه ای به آن برخورد میکند.

به نظر من باید یک صدا اعلام کرد شلاق باید ممنوع شود. میدانید که فقط کارگران قربانی شلاق نیستند. بیشترین قربانیان شلاق زنان و جوانان هستند. همین دیروز تعدادی از جوانان را که جشن فارغ التحصیلی گرفته بودند دستگیر کردند و به شلاق کشیدند. در جنبش کارگری هم قبلا شاهد اجرای این حکم بوده ایم از جمله چند سال قبل کارگران را به جرم شرکت در مراسم اول مه شلاق زدند. باید با تمام قوا در برابر این جنایت ایستاد و متوقفش کرد. این وحشیگری را میتوان و باید کاملا از ریشه خشکاند. بخصوص جنبش کارگری میتواند نقش مهمی در این جهت داشته باشد. اینجا هم جنبش کارگری نه تنها در دفاع از منافع خود بلکه در دفاع از حرمت و

یادداشت‌های هفته

امید تقوایی

شلاق باید ممنوع شود!

گستاخی شلاق زدن کارگران آق دره موجی از محکومیت و اعتراض را برانگیخته است. از اعلام محکومیت و انزجار تشکلهای کارگری در ایران تا اعتراض اتحادیه‌ها و نهادهای بین‌المللی و حتی دولت‌ها، و تا طومار اعتراضی با امضای بیش از ۵۰۰ نفر از فعالین علیه "توحش نفرت‌انگیز شلاق" نمونه‌هایی از این پاسخ قاطع جامعه به سبوعیت جمهوری اسلامی است. اما این حرکت برای آنکه ادامه پیدا کند و به نتیجه برسد باید هدف مشخصی را در برابر خود قرار بدهد. اعلام انزجار و محکومیت امر لازمی است و باید تلاش کرد هرچه گسترده‌تر و فراگیر تر بشود اما بهیچوجه کافی نیست. باید شلاق را از دستان خون‌آلود حکومت اسلامی خارج کرد. باید اعلام کرد شلاق به هر بهانه و برای هر جرمی توحش است و باید ممنوع بشود. اعتراض علیه حکم شلاق کارگران آق دره تا همینجا جمهوری اسلامی را یک قدم به عقب رانده است و ناگزیر شده اند مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را بر کنار کنند. اما این بهیچوجه کافی نیست. میتوان و باید جمهوری اسلامی را تا حد ممنوعیت شلاق به عقب راند. شلاق زدن کارگران و زنان و

جوانان اشتباه این یا آن مقام رژیم نیست که با برکناریشان مساله فیصله پیدا کند. شلاق زدن جزئی از سیستم قصاص و قوانین مجازات اسلامی است. باید کل این سیستم قضائی را به همراه نظامی که به این سیستم متکی است بزیر کشید و مبارزه علیه شلاق با هدف مشخص ممنوعیت این توحش قدم موثری برای رسیدن به این هدف است.

ما توانسته ایم در مبارزه علیه سنگسار حکومت را ناگزیر کنیم که این توحش را عملاً کنار بگذارد. در مورد شلاق هم نه تنها میتوان حکومت را به "غلط کرد" انداخت بلکه میتوان ممنوعیت شلاق را به رژیم تحمیل کرد. ممنوعیت شلاق هم در خود یک دستاورد مهم در دفاع از حرمت و کرامت جامعه است و هم گام مهمی در جهت بجالش کشیدن قصاص و قوانین و کیفرهای ضد انسانی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی و کل این حکومت قرون وسطائی است. باید با تمام قوا به جنبش علیه شلاق پیوست. این امر فوری و مبرمی است که در شرایط حاضر در برابر همه فعالین جنبشهای حق طلبانه در ایران و در خارج کشور قرار گرفته است.

حداقل انتظار کارگران از آی ال او: اخراج جمهوری اسلامی!

کنفدراسیون بین‌المللی تری‌دیونین ها (آی تی یو سی) که ۱۷۶ میلیون کارگر در ۱۶۲ کشور را نمایندگی میکند محمد جراحی، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده، سه چهره شناخته شده کارگری را به عنوان نمایندگان از تشکلهای مستقل کارگران ایران به صد و پنجمین اجلاس سازمان جهانی کار (آی ال او) معرفی کرد. این یک دستاورد جنبش کارگری در ایران و یک نمونه بارز همبستگی جهانی کارگران است.

چهار تشکل واقعی کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز

کار کرمانشاه، کانون مدافعان حقوق کارگر، و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری در پیام خود به اجلاس "آی ال او" از این اقدام "آی تی یو سی" تشکر کرده و ضمن اعلام اینکه "متأسفانه به علت زندانی بودن این فعالین حضور آنها در اجلاس سازمان جهانی کار ممکن نیست" کیفر خواست کارگران ایران علیه شرایط مشقت بار نظیر دستمزدهای یک چهارم خط فقر، نقض حق تشکل و اعتصاب و سرکوب تشکلهای مستقل کارگری، به گلوله بستن کارگران معترض بیکار روستای شهروئی بهبهان، و وجود انواع تبعیض های آشکار و پنهان برای زنان

کارگر، کارگران مهاجر و اقلیت های قومی و ملی و مذهبی، را مطرح کرده اند. همین واقعیات نشان میدهد جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او جایی ندارد. جمهوری اسلامی حکومت ضد کارگر و سرکوبگری است که حتی بنا بر موازین "آی ال او" هیچ اعتبار و مشروعیتی ندارد و نباید به گردهمائی های جهانی سازمانهای کارگری و سایر نهادها و سازمانها و نهادهای بین‌المللی راه داده شود. همانطور که تشکلهای مستقل کارگری در پیام خود به آی ال او می نویسند کارگران ایران "مصرانه خواهان منع حضور عوامل شوراها و اسلامی کار، خانه کارگر و

سیاهی پررنگ و کمرنگ ندارد

اند. وقتی رئیس جمهور چنین حکومتی از عدم تبعیض مذهبی دم میزند اگر احمق نباشد عوامفریبی است که شعور مردم را دست کم گرفته است.

اما این حماقت و عوامفریبی تماما امری سیاسی است. روحانی و جناح طرفدارش خیلی تلاش میکنند خود را بخش معتدل و میانه رو حکومت معرفی کنند، از افراطیون طرفدار خامنه ای فاصله بگیرند و حسابشان را از جانبیان ارتجاعیون رسوا و آبرویاخته حکومتی جدا کنند. راه نجات نظامشان را در این میدانند. اظهار لحنیه هائی نظیر مخالفت با امتیازات مذهبی این هدف حفظ نظام را دنبال میکند. اما مدتهاست دوره این ترفندها به پایان رسیده است. سیاهی کمرنگ و پررنگ ندارد. افراطی و میانه رو بقول رهبر مشترکشان "دوبال یک نظام" هستند. باید هر دو بال را شکست. اولین شرط رفع تبعیض، نه تنها میان مذاهب بلکه میان زن و مرد و میان فقیر و غنی و میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف، جارو کردن بساط مذهب از دولت و قوانین و سیستم قضائی و آموزشی و از کل جامعه است.

۱ ژوئن ۱۶

"در ایران هیچ کس حق ندارد برای پیروان یک مذهب/امتیاز قائل شود"

روحانی

درست است! به همین دلیل حکومت متبوعه جناب روحانی باید شرش را از سر جامعه کم کند.

روحانی رئیس جمهوری حکومتی است که اعمال تبعیض نسبت به مذاهب دیگر یک امر ساختاری و هویتی آنست. از قانون اساسی تا قوانین قصاص و از حجاب اجباری و آپارتاید جنسی تا به شلاق کشیدن مردم و تا خرافات و خزعبلاتی که هر روزه از منبرها و رادیو تلویزیون و نشریات و سایت های حکومتی بخورد مردم داده میشود همه و همه بر اسلام و قوانین اسلامی مبتنی است.

تبعیض مذهبی اساس چنین نظامی است. همین هفته قبل بود که مقامات و رسانه های حکومتی موج تازه ای از بهائیتی ستیزی برآه انداختند و بر اساس فتوای فاشیستی رهبرشان اعلام کردند که "بهائیان نجس هستند". آزار و اذیت در ارایش و یهودیها و سنی ها و پیروان سایر مذاهب یک کار همیشگی حکومت بوده است. در مورد بی خدایان و از دین برگشتگان و "کافرین و مرتدین" هم که حتی کلمه تبعیض حق مطلب را ادا نمیکند. اینان بر اساس نص صریح قوانین اسلامی واجب القتل

دیگر تشکلهای دولتی و ضد کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار "هستند. فعالیت و مبارزه برای تحقق این خواست باید ادامه پیدا کند. اما این یک جنبه از انتظار و خواست کارگران ایران از آی ال او است. جنبه دیگر حضور نمایندگان واقعی کارگران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار است. در این مورد تشکلهای کارگری در پیام خود خواستار "رفع ممنوعیتهای موجود سر راه حضور نمایندگان واقعی

کارگران ایران" در اجلاس سالانه آی ال او شده اند. دعوت "آی تی یو سی" از عظیم زاده و جراحی و ابراهیم زاده اولین گام در این راه است. باید امیدوار بود و با تمام قوا تلاش کرد که این اقدام به اخراج جمهوری اسلامی و عواملش از "آی ال او" و پذیرش رسمی نمایندگان واقعی کارگران ایران به این سازمان منجر بشود.

کارگران در هفته ای که گذشت



محمود صالحی در پیام های خود خطاب به دبیر کل سازمان جهانی کار، و خطاب به نمایندگان شرکت کننده از سوی اتحادیه های کارگری اعتراض خود را اعلام داشتند. از جمله محور های مهم این نامه ها حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستهایش، اعتراض به شلاق زدن ۱۷ کارگر معدن آق دره و زیر پا گذاشتن شدن پایه ای ترین حقوق کارگران توسط رژیم اسلامی و حضور تشکلهای دست ساز دولتی به جای نمایندگان واقعی کارگران بود. این نامه ها بطور واقعی کیفرخواستی علیه فقر و بیحقوقی کارگران در ایران و اعتراض به سکوت نهادی چون سازمان جهانی کار به آنچه در قبال کارگران، معلمان و مردم معترض در ایران میگذرد، بود. جعفر عظیم زاده خطاب به این اجلاس پیام صوتی داد و بیانیته ای تی یو سی با اعلام اینکه نماینده واقعی کارگران، در چنین اجلاس هایی محمد جراحی، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده هستند، انعکاسی از صدای اعتراض جعفر عظیم زاده و کارگران در ایران در اجلاس سالانه امسال سازمان جهانی کار بود.

ما نیز از طرف حزب کمونیست کارگری ایران تلاش کردیم همانند هر سال و در روز اول برگزاری اش آنجا باشیم. با گذاشتن پیکت اعتراضی در مقابل درب ورودی اجلاس و پخش صداها اطلاعیه با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و نصب بنر "جمهوری اسلامی باید از آئی ال او اخراج شود"، و نیز با پخش اطلاعیه هایمان در داخل سالن و نصب چند عکس از جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی چون بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی و کارگران و معلمانی که حکم زندان دارند چون اسماعیل

صفحه ۸

خواستهای جعفر عظیم زاده است. در سطح بین المللی نیز ۵ اتحادیه کارگری حمایت همه جانبه خود را از وی اعلام کرده و خواستار پایان دادن به اعتصاب غذایش شده بودند و در این هفته کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) در اقدامی بیسابقه در اعتراض به حضور هیات رژیم اسلامی در آئی ال او اعلام داشت که جعفر عظیم زاده، محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده از جمله نمایندگان واقعی تشکل های مستقل کارگری در ایران هستند. قبلاً نیز تشکلهای کارگری از سوئد، کانادا، استرالیا، از این کارزار و خواستهای کارگران اعلام حمایت کرده بودند.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات مردم تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" که به خاطر آن امروز جعفر عظیم زاده در زندان است و جانش در خطر است، در واقع دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های سیاسی پایه ای در جامعه است. کارزاری اجتماعی است که به کل جامعه مربوط است. وسیعاً به این کارزار پیوندیم. هر جا که هستیم صدای جعفر عظیم زاده و کارگران زندانی باشیم. ما هم در کنار او خواستار لغو تمامی پرونده های تشکل شده برای کارگران، معلمان و کلیه فعالین سیاسی "تحت عنوان اخلال در نظم و امنیت ملی" و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی شویم.

پیکت اعتراضی مقابل کنفرانس آئی ال او

اعتراض به حضور هیات رژیم اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار-آئی ال او، امسال ابعاد متفاوتی نسبت به هر سال داشت. از جمله نامه های اعتراضی از سوی تشکل های کارگری، چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای شرکت واحد، بخشی از این اعتراضات بود. همچنین رهبران کارگری چون جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده،

محاکمه شوند. به صورت احکام اسلامی و وحشیانه ای چون "شلاق" باید خاتمه داده شود. به صدور پرونده قضایی تحت عناوینی چون "اغتشاش" "اخلال در نظم و امنیت ملی" و... باید خاتمه داده شود. کل بساط دستگاه قضایی و احکام وحشیانه شان باید جارو شود.

کارزار در دفاع از جعفر عظیم زاده

امنیتی کردن مبارزات مردم تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" باید پایان یابد. این یکی از خواستهای اصلی جعفر عظیم زاده است. جعفر عظیم زاده از رهبران کارزار برای لغو کلیه پرونده های مفتوحه برای کارگران، معلمان، و تمامی فعالین سیاسی تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" همچنان در زندان است. این کارزار با بیانیته مشترک او و اسماعیل عبیدی از معلمان معترض در زندان در آستانه اول مه آغاز شد و ادامه دارد. اعتراض این کارزار به امنیتی کردن مبارزه علیه زندگی زیر خط فقر و برای یک زندگی انسانی است. در آن بیانیته جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی اعلام کرده بودند که اگر خواستشان پاسخ نگیرند از دهم اردیبهشت دست به اعتصاب غذا خواهند زد. اسماعیل عبیدی بطور موقت و با قید وثیقه آزاد شد و بنا بر قرار قبلی اعتصاب غذایش را خاتمه داد اما پیگیر خواستهایش است و در حمایت از جعفر عظیم زاده نگرانی خود را از وضعیت او اعلام داشته است. جعفر عظیم زاده از دهم اردیبهشت تا کنون در اعتصاب بسر میبرد و وضعیتی بسیار نگران کننده دارد. از همین رو در حمایت از او و خواستهایش اکنون این کارزار در زندان و در بیرون از زندان و در سطح بین المللی با قدرت به جلو میروند. از جمله فعالیت های مهم در حمایت از جعفر عظیم زاده، ارسال پیامهای حمایتی با عکس جعفر عظیم زاده و خواست آزادی وی، تجمعات خانواده او به همراه جمعی از کارگران و معلمان در مقابل مجلس و در اعتراض به عدم پاسخگویی به

اعتراض و کارزاری گسترده، پاسخ گرفت. تشکلهای کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد علیه این گستاخی رژیم بیانیته دادند. علیه آن طوماری اعتراضی به راه افتاد و ظرف مدت کوتاهی بیش از پانصد نفر آنرا امضا کردند. این موضوع به یکی از مثالهای بارز نقض حقوق پایه ای کارگران و انسانها در ایران و اعتراض به حضور رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار آئی ال او تبدیل شد. رهبران کارگری چون جعفر عظیم زاده در پیام اعتراضی اش به سازمان جهانی کار، مشخصاً به این موضوع اشاره کردند. از سوی حزب کمونیست کارگری ایران نیز کارزاری بین المللی علیه این عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی به راه افتاد و در این هفته اتحادیه کارگران کشتیرانی بزرگترین اتحادیه کارگری استرالیا نسبت به این موضوع از جمهوری اسلامی اعلام انزجار کرد و این کارزار خود به سرآغازی جدید برای جدالی بزرگ تر تبدیل شد. در این کارزار کارگران در ایران با اعلام اینکه این شلاق سرمایه داران مفتخور است که بر بدن کارگران وارد میشود و دستگاه قضایی نیز در مقام حفاظ قانونی چنین سیستم جهنمی ای دست به صدور چنین احکامی میزنند، کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری حاکم و دستگاه قضایی اش اعلام کردند.

این کارزار در واقع اعلام یک دوره مهم است. اعلام پایان دادن به دوره قلمروی جمهوری اسلامی و زندانی کردن کارگر معترض با اتهام "اغتشاش" و... و بردگی کاری است. ابعاد گسترده این کارزار تا هم اکنون طوفانی به راه انداخته است. و

زیر فشار چنین بهمنی ربیعی وزیر کار دولت روحانی در ۱۲ خرداد خیر برکناری رضا نقی زاده مدیر کل "تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی" را تحت عنوان بی اطلاعی از اجرای حکم مجازات شلاق کارگران معدن طلای آق دره اعلام داشت. اما برکناری او کافی نیست. به عنوان اولین گام تمامی عاملین این جنایت باید معرفی و

شهلا دانشفر

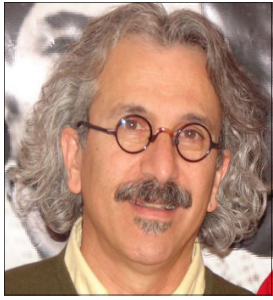
رویدادهای برجسته: کارزار دفاع از جعفر عظیم زاده کارزار اخراج جمهوری اسلامی از آئی ال او اعتراضات به حکم شلاق کارگران آق دره

کارزار در اعتراض به اجرای حکم شنیخ و وحشیانه شلاق زدن به ۱۷ کارگر معدن آق دره در تکاب، کارزار در دفاع از جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری در زندان و خواستهایش، پیکت اعتراضی مقابل کنفرانس سالانه آئی ال او و اعتراض به شرکت نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، اعتراضات گسترده کارگری و یک نمونه جالب آن تحسن کارگران بازنشسته مخابرات راه دور در محوطه کارخانه، از جمله اتفاقات مهم در هفته گذشته است.

اینها همه اتفاقات سیاسی مهمی است که بطور واقعی سرفصل جدیدی در جنبش کارگری و مبارزات کل مردم گشوده است. اینها همه کارزارهایی هستند که کارگران، معلمان، بازنشستگان و... در صف مقدم آن هستند. اینها همه کارزارهایی هستند که یکسرش در کارخانجات و سر دیگرش در زندان است و رهبرانش از زندان سخن میگویند. اینها همه کارزارهایی هستند که اعتراضات در داخل ایران و در سطح بین المللی را به هم متصل کرده است. نگاهی به این اتفاقات مهم بیندازیم.

علیه اجرای حکم وحشیانه شلاق علیه کارگران معترض

در اوایل روزهای اردیبهشت ماه احکام وحشیانه و قرون وسطایی علیه ۱۷ کارگر اخراجی معدن طلای آق دره در آذربایجان غربی، از جمله پرداخت جریمه نقدی و تحمل ضربات شلاق به اجرا گذاشته شد. اجرای این احکام گستاخانه و شنیخ با موجی از



آیا اختلافات پایان گرفته است؟ تکلیف "برجام" چه میشود؟

مصاحبه با علی جوادی

الغای این توافقنامه است. همانطور که اشاره کردم دعوا بر سر برجام نیست. دعوا بر سر موقعیت جناحها پس از برجام است. در حال حاضر و پس از "تودهنی" محکمی که این جناح از مردم در پس مضحکه انتخاباتی اش دریافت کرد، جناح راست تمام نیروها و قدرتش را بسیج کرده است که جناح اعتدال طلب و اصلاح طلب حکومتی بتواند از نتایج برجام بهره برداری سیاسی بیشتری بکند. هدفشان تقویت نیروهای خودی و سازمان دادن تعرض در دوران مضحکه ریاست جمهوری شان است. نگاه شان به آنجاست. مساله جدی است. ائتلاف جناح اعتدال طلب و اصلاح طلب حکومتی بر این تصور است که تنها در پس بهبود مناسبات با غرب است که میتوانند شانس برای بقاء داشته باشند. با روحیه غربگرایی جامعه آشنایی دارند. میکوشند از این موقعیت برای بهبود مناسبات خود و جامعه بهره برداری کنند. جناح راست هم دقیقاً این مناسبات و رابطه را نقطه ضعف رژیم اسلامی قلمداد میکنند. از این رو جانانه در مقابلش ایستاده اند.

یک رکن این جدال بر سر نتایج برجام در جامعه استوار شده است. یک جناح مدعی است که برجام تأثیری بر بهبود موقعیت مردم نداشته است. جناح دیگر معتقد است که در مدتی کوتاه شاهد تأثیرات بسزای این توافقنامه بر زندگی مردم خواهیم بود. اما هر دو جناح دروغ میگویند. مساله هیچ جناح بهبود موقعیت مادی و واقعی زندگی مردم نیست. دعوا بر سر برجام نه بر سر تأثیرات این توافق بر زندگی مردم بلکه بر سر موقعیت جناحها و سهم جناحها از قدرت است. این جدال در هر پیچ سیاسی تشدید خواهد شد.

دوره طولانی بر این تصور کودنانه بودند که گویا نقطه سازشی طلایی میان مردم سرنگونی طلب و رژیم اسلامی موجود است. بر این باور بودند که گویا میتوان رژیم اسلامی را اصلاح کرد و این هیولای اسلامی اصلاح شده را به خورد جامعه داد. از این رو بر سیاست "فشار از پایین و چانه زنی در بالا" تاکید میکردند. در پس اعتراضات ۱۸ تیر به سرعت پی بردند که "فشار از پایین" عمدتاً قابل کنترل و مهار نیست و مردم به سوت خاتمی دست از اعتراض نخواهند کشید. اکنون و پس از برآمد جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در سال ۸۸، به این نتیجه رسیده اند که راه بقایشان در حکومت از مجرای "فشار از پایین" نمیگذرد. در این دوران نقطه اتکاء خود در تغییر مناسبات با غرب و مشخصاً آمریکا دنبال میکنند.

انتخابات مجلس خبرگان و شورای اسلامی در عین واقعیت دیگری را در صف بندی جناحها به نمایش گذاشت و آن تقسیم جناح راست به "عقلا" و "تندروها" بود. منافع جداگانه و سیاستهای متمایز این دسته بندیها کلاً به تشدید تناقضات درونی جناحهای حاکم می افزاید. رسیدن به توافقات را برایشان پیچیده تر میکند. کار باند خامنه ای برای حفظ توازن قوا و تعادل میان این دار و دسته جات را پیچیده تر میکند. این اویاش خواهند کوشید تا با هم متحد شوند. اما امکان سازش و بند و بست را اعتراض جامعه عملاً از پیش سد کرده است. دعوای بسیاری در راه است.

انترناسیونال: یک مسئله اساسی در اختلافات درونی رژیم مسئله برجام بوده است. با دست بالا گرفتن مخالفین برجام، تکلیف این قرارداد چه میشود؟

علی جوادی: برجام با توافق و چراغ سبز خامنه ای در دوران احمدی نژاد

مجلس شورای خبرگان را از آن خود کرد، اما باند خامنه ای چندان موفق نبود. این دار و دسته راه پیچیده ای برای اعمال و تعیین جانشین او دارند. دعوای تعیین کننده این دستجات در شورای خبرگان تازه در راه است.

در مجلس شورای اسلامی مساله به گونه دیگری است. نیروی جناحها بسیار سیال تر و متغیر تر است. لاریجانی کاندید اصلی جناح راست و اصولگرایان نیست. نیروی اصلی جناح راست با علم به اینکه کاندیدای مطلوبشان در هر رای گیری شکست خواهد خورد و راه برای پیروزی جناح اصلاح طلب هموار خواهد شد، رای سلبی خود را به لاریجانی دادند. در عین حال نیروهای که این روزها مد شده است با نام بی مسمای "مستقلین" نامیده شوند، بخشا به لاریجانی رای دادند. به عبارت دیگر لاریجانی ریاست موقت مجلس را در یک پروسه ائتلافی نیروهایی از دو جناح از آن خود کرد. اما این ائتلاف شکننده است. بدون رای بخش قابل ملاحظه ای از "مستقلین" دوامی نخواهد داشت و نتیجتاً موقعیت خود را مدیون حفظ این ائتلاف "شکننده" است.

اینکه بخشی از اصلاح طلبان حکومتی از پیروزی خود دوری می جویند و فرار میکنند، واقعیتی است. عین این پروسه را ما در اوج قدرت جناح اصلاح طلبان حکومتی شاهد بودیم. زبونانه در مقابل حکم "حکومتی" خامنه ای در مورد "مطبوعات" سر خم کردند و پس از پروسه سرازیری خود را آغاز کردند. این جناح از پیروزی خود میترسد. از این رو بخشی از متفکرین این جناح بر این باورند که "پیروزی" لاریجانی انتخاب بهتری برای آنهاست. اما این هراس توضیح بخشی از حرکت نیروهای این جناح است. در عین حال و همواره نگران "بهره برداری" نیروهای "برانداز" از پیشروی آنها هستند. این جریان در

انترناسیونال: کشمکش بین جناحهای حکومت بر سر ریاست مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی به نفع باند خامنه ای پایان یافت و جنتی و لاریجانی این پست ها را در اختیار گرفتند. در عین حال بنظر میرسد که اصلاح طلبان و طرفداران دولت به این امر رضایت داده اند و همزیستی مسالمت آمیز و همکاری را به کشمکش با جناح مقابل ترجیح میدهند. آیا می توان این را نقطه پایانی بر اختلافات درونی رژیم دانست؟

علی جوادی: بهیچوجه. جدال جناحها و باندهای رژیم اسلامی علیرغم وحدت و صلح های مقطعی شان تا روز شریف سرنگونی رژیم اسلامی ادامه خواهد یافت. این رژیم با تمامی تناقضاتش درهم کوبیده خواهد شد. صلح و سازش در مناسبات جناحها مقطعی و گذرا است. مساله این است که واقعیتی بیرون از موجودیت این نیروها بر مناسبات میان نیروها سایه افکنده است و آنها را هر بار کوبنده تر به جان هم می اندازد، زمین را زیر پایشان داغ میکند. این واقعیت چیزی جز جنبش توده ای و خواست عمیق جامعه برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. این جنبش دائمی است. گاه آشکار و گاه پنهان است. و تنها با از میان رفتن موضوعیتش، یعنی سرنگونی رژیم اسلامی، زوال خواهد یافت.

جدال جناحها بر سر ریاست مجلس خبرگان علیرغم انواع توطئه ها و بند و بستها بنظر چندان هم به نفع باند خامنه ای به پایان نرسید. تحلیل های ظریف تر و تخصصی ترشان حاکی از این است که شاهرودی و یا لاریجانی کاندیدهای نزدیک تر به باند خامنه ای بودند. تعداد رای محدود این کاندیدها را نشان موقعیت تضعیف شده باند خامنه ای در کل دسته بندی های جناح راست قلمداد میکنند. جناح راست ریاست

کاندیدای منتخب حزب جمهوریخواه

قصاص را باید به زیاده دان انداخت

از صفحه ۴

دارند بر سر اینکه به نوعی تعداد اعدامها را در مورد پرونده های مواد مخدر و امثال آن کم کنند بین خودشان بحث میکنند. چندی پیش یکی از همین آیت الله ها گفته بود اعدام باعث شده حکم نورانی قصاص بدنام بشود! کل این احکام نورانی یعنی تعزیر و شکنجه قطع اعضای بدن و انواع و اقسام جنایتها! یعنی ماشین توحشی که اعدام یک گوشه آن است و شلاق یک گوشه دیگر و سنگسار یک جنبه دیگر. سنگسار را ما توانستیم عقب برانیم و کاری کنیم که عملاً جمهوری اسلامی جرات ارتکاب آنرا نداشته باشد. در مورد شلاق و احکام دیگر هم میشود همین کار را کرد. منتهی همانطور که گفته جنیش وسیع باید علیه شلاق برآید. در مورد سنگسار این طور بود و در مورد اعدام هم این حرکت هست. میشود و میتوانیم علیه شلاق نیز با شعار شلاق ممنوع در ایران و در سراسر جهان یک جنبش برآید. ما میتوانیم این توحش را متوقف کنیم.

رادوی پیام وقتی خبر را میخوانید بنیال این هستید که شاید این کارگران طلانی را برداشته اند یا

سرقتی صورت گرفته ولی می بینید که مساله فقط اعتراض کارگران به وضعیت خودشان بود است. از طرف دیگر هم ما شاهد اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده هستیم که الان نزدیک به یک ماه است بخاطر ابتدائی ترین حقوق کارگران و معلمان و برچیده شدن یک سری قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه در اعتصاب غذا است. به نظر شما جنبش کارگری این الان در چه سطحی قرار دارد و در مقابل این حرکت های وحشیانه دولت و نظام سرمایه داری چه نقشی میتواند ایفا کند؟

حمید تقوایی: بطور واقعی امروز جنبش کارگری پیشروترین و فعالترین جنبش در جامعه هست از جمله علیه همین قوانین ظالمانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی.

به اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده اشاره کردید. این اعتصاب و بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی و حمایتی که تا همینجا از آن صورت گرفته حرکتی صرفاً در دفاع از حقوق کارگر نیست. مضمون این حرکت دفاع از حقوق کارگران و حقوق معلمان و حقوق کل جامعه است. یک خواست مهمی که بیانیه عظیم زاده - عبیدی مطرح میکند و الان در جامعه گسترش پیدا کرده و خیلی ها به مبارزه برای تحقق این

خواست پیوسته اند اینست که باید اتهام امنیتی از پرونده کارگران و کل زندانیان سیاسی حذف بشود. این جرم خودساخته اخلاق در امنیت کشور که بهانه و توجیه جمهوری اسلامی در سرکوب مخالفین خود و فعالین حرکت های حق طلبانه است باید از پرونده ها جمع بشود. این یک خواست عمومی است که به فعالین همه جنبشها و همه زندانیان سیاسی مربوط میشود. از این خواست حتی زندانیان عادی هم اعلام حمایت کردند. به این معنی میخوایم بگویم در حال حاضر جنبش کارگری پرچم آزادیخواهی و پرچم مقابله با احکام ضد انسانی جمهوری اسلامی را در دست دارد برای همه اقشار مردم: زنان آزادیخواه هم قربانی این احکام هستند، جوانان هم به همچنین - آخرین نمونه همانطور که اشاره کردم شلاق زدن ۳۵ دختر و پسر جوان است که چند روز قبل در شهر قزوین به جرم شرکت در جشن فارغ التحصیلی بازداشت و به شلاق محکوم شدند - و این همچنان ادامه دارد و داستانی طولانی است.

وقتی کارگران بلند میشوند و این سیستم را بجالش میکشند در واقع حرف دل زنان و جوانان و بخشهای مختلف جامعه را میزنند. ازینرو باید گفت که جنبش کارگری در موقعیت برجسته و تعیین کننده ای قرار دارد. فراخوان من به فعالین

جنبشها حق طلبانه دیگر در جامعه، جنبش رهائی زن، جنبش دفاع از یک زندگی مدرن و امروزی برای جوانان، جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، اینست که به حرکت علیه امنیتی کردن پرونده های فعالین و قوانین و احکام وحشیانه علیه آنها پیوندند. به یک معنی بیانیه عظیم زاده - عبیدی پلاتفرمی هست برای همه جامعه و بجالش کشیدن جمهوری اسلامی بوسیله اکثریت عظیم مردم. این را هم یکبار دیگر تاکید کنم که قوانین قصاص و سیستم قضائی جمهوری اسلامی در کل باید برچیده بشود. هیچ جزئی از این سیستم عادلانه و انسانی و از جانب هیچ کسی قابل دفاع نیست. به نظر من اگر برای یک دانشجوی سال اول حقوق در هر کشوری، در هر کشور غیر اسلامزده، شما یک بند از قوانین قصاص را بخوانید فوراً به شما خواهد گفت این را باید به سطل آشغال انداخت. کاملاً روشن است که این سیستم هیچ ربطی به شهروندی و مدنیت و جوامع امروزی ندارد. یک سری قوانین و احکامی هست که از نظر فلسفه قضائی به جوامع عشیرتی - قبیله ای و بر خونخواهی و انتقام قبیله ای مبتنی است. در این سیستم مرد حقوق بسیار بیشتری از زنان دارد و مسلمانان از حقوق بسیار بیشتری

نسبت به دیگران برخوردارند. قصاص اسلامی پدرسالار است و مثلاً قتل پسر به دست پدر جنایت و جرم کمتری از قتل های عادی محسوب میشود و کیفر کمتری دارد، برده و آزاد دو حکم دارند، زن و مرد دو حکم دارند و غیره و غیره. شما اگر نگاهی به قوانین جزائی جمهوری اسلامی ببیندازید می بینید حتی یک بند آن قابل دفاع نیست. مساله شلاق و مساله قصاص، مساله پرونده سازی امنیتی، مساله دادگاههای که در واقع بیادگاه هستند، مساله روند رسیدگی به جرائم، شرایطی که تحت تعقیب قرار میدهند، شرایطی که بازجویی میکنند، شکنجه های شرعی مثل تعزیر و غیره و غیره همه اینها باید برچیده بشود تا بتوانند مردم نفس بکشند. این مبارزه ای که امروز علیه شلاق در حال شکل گرفتن است، مانند مبارزه علیه سنگسار و اعدام، اجزائی از این مبارزه عمومی و بجالش کشیدن کل سیستم قضائی اسلامی است. در این مبارزه به نظر من جنبش کارگری و طبقه کارگر در صف اول قرار دارد و باید این موقعیت خودش را ببیند، و نقش خودش را ایفا کند تا بتوان با تمام قوا جامعه را علیه این وضعیت بسیج کرد.

بزرگترین اتحادیه کارگری استرالیا از جمهوری اسلامی اعلام انزجار کرد

حقوقی کارگران در ایران را اعلام کرده است.

حزب کمونیست کارگری سازمان های کارگری در سراسر جهان و شخصیت ها و سازمان های مدافع حقوق انسان را به محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر شلاق زدن به کارگران و جوانان و فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۳۱ مه ۲۰۱۶

در نامه ای که امروز بزرگترین اتحادیه کارگری استرالیا به خامنه ای، روحانی، وزارت دادگستری و هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران مستقر در سازمان ملل نوشت، نسبت به استعمار وحشیانه کارگران در ایران و محرومیت آنان از حق تشکل و اعتراض اعلام انزجار کرد و نگرانی خود را نسبت به تندرویی جعفر عظیم زاده ابراز داشت. در این نامه، که بنیال تماس ارسال ناظر با این اتحادیه برای مقامات جمهوری اسلامی ارسال شده، اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل و مراتع، انرژی و معدن در استرالیا همچنین به شلاق زدن به کارگران معدن طلای تکاب اعتراض کرده و نگرانی عمیق خود در مورد بی

اعتراضات کارگری گسترده و هر روزه است. در این هفته مراکز چون

مخابرات راه دور شیراز، ریخته گری ماشین سازی تبریز، نیروهای شرکتی مخابرات دلفان، کارکنان شرکتی مخابرات استان لرستان در کوهدشت، فاز ۱۹ عسلویه، آب معدنی داماش گیلان و کارخانه پارسیلون خرم آباد از جمله مراکز داغ اعتراضات کارگری بودند. موضوعات محوری این اعتراضات اعتراض علیه تعویق پرداخت دستمزدها، علیه اخراجها و قراردادهای پیمانی و خواست استخدام رسمی بود. کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز سوم خرداد تا کنون در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود در محوطه کارخانه چادر زده و تحصن کرده اند. آنها خواستار تمامی طلبهایشان هستند.

کارگران ...

از صفحه ۶

عبیدی، محمود بهشتی، رسول بدافی، محمود صالحی و .. صدای جعفر عظیم زاده و کارگران و مردم ایران را در این اجلاس نمایندگی کردیم. بنا بر خبرهای شنیده شده یکی از موضوعات داغ مورد بحث از سوی اتحادیه های کارگری در فرانسه و سوئد در اجلاس اعتراض به سرکوبگری های رژیم اسلامی خواهد بود.

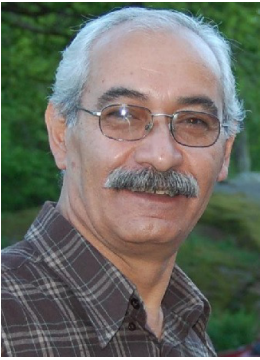
به این اعتبار در اجلاس جهانی امسال سازمان جهانی کار، صدای جعفر عظیم زاده، کارگران و معلمان زندانی و بطور کلی کارگران و مردم ایران از طریق چنین کارزاری پررنگ تر از هر سال انعکاس داشته است.

اعتراضات گسترده کارگری

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

تحولات اخیر در عراق

عبدل گپریان



صحنه سیاسی جامعه عراق و با قطع کردن دخالت دولتهای مرتجع اسلامی منطقه میتواند منابع تغذیه مالی، تسلیحاتی و فکری داعش در عراق را نیز خشک کند.



به تروریسم اسلامی، راه پایان دادن به داعش و کوتاه کردن دست حکومت اسلامی حامی دولت عراق و دیگر جریانهای اسلامی در این کشور و همچنین عقب راندن دول مرتجع منطقه از عراق در دست این جنبش است. این جنبش میتواند دوباره سر بلند کند و با سازمان دادن خود و تحت رهبری یک نیروی جلی چپ و سکولار و با کنار زدن و جمع کردن بساط تمامی این باندها و دار و دسته ها، زندگی، مدنیت و انسانیت را به مردم عراق بازگرداند. این جنبش با حضور مجدد خود در

نخواهد زد بلکه هر بار در قالب دیگری زندگی مردم را با تباهی روبرو خواهند ساخت. پایان کار تروریسم اسلامی و جنایتکاران اسلامی داعش در خاورمیانه و پایان حضور آنان در کشورهای اروپایی نیز کار بشریت مدرن و مترقی، کار مردم بستوه آمده و امر نیروهای کمونیست، چپ و سکولار است. طی سال ۲۰۱۵ جنبشی مدنی، اجتماعی و سکولار چندین ماه بصورت میلیونی در بغداد و دیگر شهرهای این کشور عرض اندام کرد. این جنبش بطور گسترده ای در خیابانها و میادین شهرهای عراق علیه تمام دار و دسته های اسلامی در حکومت و بیرون از حکومت اعتراض سازمان داد. شعار "نان، آزادی، کرامت انسانی" و برقراری حکومت مدنی، خواست میلیونها نفر در این اعتراضات بود. ابعاد این حرکت تا بدانجا بود که حکومت حیدر عبادی و دیگر دستجات اسلامی شیعه و سنی در حکومت و بیرون از حکومت را به وحشت انداخت. جمهوری اسلامی بعنوان یک پای اصلی سهیم و دخیل در فجایی که در عراق رخ میدهد نیز به هراس افتاده بود. راه پایان دادن

نیروهای جمهوری اسلامی با تانک و توپ و حملات هوایی نیروهای ائتلاف، بدون امکانات غذایی، دارویی و آب و برق گرفته اند. در پایان این عملیات معلوم خواهد شد که چه فاجعه انسانی بزرگی در این شهر روی داده است.

بعد از ظهور داعش و تصرف موصل و فلوجه از سوی باندها و آدمکشان اسلامی داعش این اولین بار است که تمامی نیروهای دخیل و سهیم در اوضاع عراق بطور یکجاست وارد این عملیات شده اند. اما علیرغم این تهاجم چند جانبه، مقاومت و ایستادگی داعش نیز این را نشان میدهد که مریدان واقعی خدا و اسلام همچنان از سوی دولتهای منطقه نظیر عربستان، امارات و غیره حمایت میشوند.

اوضاعی که ۱۳ سال است در عراق شاهد آن هستیم، نتیجه سیاستهای شکست خورده آمریکا در عراق و منطقه است که متعاقب آن تا به امروز به میدان لگد پرانی تمامی نیروهای دولتی و غیر دولتی و اسلام نوع شیعه و سنی آن تبدیل شده است. گوشه اعظم این وقایع و رویدادها در عراق جنایت و کشتار مردم بی دفاع توسط تمام باندها و شبکه های اسلامی در این کشور است. اما فجاج کنونی در شهرهای عراق، فلوجه و بغداد تنها به این عملیات و این جنگ که غیر نظامیان از زن و کودک و پیر و جوان را هدف گرفته است ختم نمیشود بلکه باندها و شبکه های تروریست اسلامی از جنس داعش و بقیه جریانهای اسلامی با بمب گذاری در مراکز پر رفت و آمد روزانه مردم روزی نیست که غیر نظامیان و مردم عادی را قربانی امیال ضد انسانی خود نکنند.

باز پس گیری فلوجه، موصل و دیگر مناطق تحت کنترل داعش چه در عراق و چه در سوریه میتواند سبب تضعیف و عقب راندن مدافعان و مروجان اسلام ناب محمندی یا داعش شود اما پایان کار این هیولای اسلامی نخواهد بود چرا که رقابت دول مرتجع منطقه که هر کدام در دو بلوک رقیب در سطح جهانی رکاب میزنند، نه تنها داعش را کنار

روز دوشنبه ۲۴ ماه مه عملیات گسترده ای توسط نیروهای ارتش عراق و با همکاری نیروی هوایی آمریکا و دیگر همپیمانان این کشور برای آزاد سازی شهر فلوجه که از سال ۲۰۱۴ توسط داعش تصرف شد آغاز شده است. در این عملیات علاوه بر این نیروها، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و حشد الشعبی نیز شرکت دارند. شهر فلوجه در ۵۰ کیلومتری غرب بغداد قرار دارد. در این عملیات تا کنون چندین روستا در این مسیر از دست داعش خارج شده است. هم اکنون اطراف شهر فلوجه در محاصره ارتش عراق و دیگر نیروهای همپیمان قرار گرفته است و نیروهای داعش همچنان به مقاومت در داخل این شهر ادامه میدهند.

یک نیروی نظامی شیعه که ابتدا از سوی علی سیستانی تحت نام "حشد الشعبی" راه اندازی و سرهم بندی شد، متشکل از حدود ۴۰ گروه مختلف هستند که به اصطلاح به هدف مبارزه با داعش سازماندهی شده اند اما در واقع حشد الشعبی متشکل از گروههای مختلف شیعه هستند که بیشتر در عراق بطور مستقل علیه نیروهای ائتلاف فعالیت داشتند. بنا به گزارشات منتشر شده که ویدئو کلیپ آن در شبکه های اجتماعی هم منتشر شده است در جریان عملیات اخیر در اطراف شهر فلوجه تعدادی از افرادی که از این شهر و از دست داعش گریخته بودند توسط نیروهای حشد الشعبی و تحت عنوان اینکه با داعش همکاری کرده اند آنان را با همان سبک و روش ضد انسانی و جنایتکارانه اسلامی داعش سربریده اند.

گوشه دیگر این عملیات وقوع و بروز یک فاجعه انسانی به تمام معنا در داخل شهر فلوجه است. از روز دوشنبه ۲۴ ماه مه تا کنون، که بیش از یک هفته از آن میگذرد، مردم شهر فلوجه در گرمای نزدیک به ۴۰ درجه در محاصره تمامی نیروهای درگیر و دخیل در این عملیات، یعنی ارتش عراق، حشد الشعبی، داعش،

در اعتراض به شلاق زدن کارگران و جوانان، در اعتراض به مداخلات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و در حمایت از کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی آکسیونهایی توسط احزاب و نهادهای چپ و کمونیست در چند کشور برگزار میشود. با شرکت در این تجمعات اعتراض و نفرت خودتان را علیه حکومت قرون وسطایی اسلامی نشان دهید.

28 Great Russell St, London
WC1B 3LS

شماره تماس: ۰۷۸۷۷۴۸۹۶۲۶
کمیته برگزاری اول مه در لندن

شنبه ۴ ژوئن ساعت ۲ بعد از ظهر
Brunsparken
رو بروی فمان

تلفن های تماس:
بابک اییدیور ۰۷۶۵۸۶۵۹۴۸
فرشته نظام آبادی ۰۷۰۷۴۲۰۱۷۹
مالمو (سوئد)

پنجشنبه ۲ ژوئن، از ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر
Davidshallsbron
ما بون تری انگل و

گوستا و آدولف توری
تلفن تماس: شهاب بهرامی ۰۷۳۹۸۰۹۳۳۹

این آکسیونها بخشی از تجمعات اعلام شده توسط احزاب و نهادهای چپ و کمونیست در حمایت از کارگران و مردم ایران است.

تورنتو:
جمعه ۳ ژوئن، از ساعت ۲ بعد از ظهر
خیابان یانگ، مقابل دفتر عفو بین الملل
روز ۳۱ مه نیز آکسیونی به همین مناسبت در تورنتو برگزار شد.
فرانکفورت
دوشنبه ۶ ژوئن از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح
تجمع مقابل دفتر مرکزی اتحادیه سراسری کارگران آلمان
"د گ ب. هاووس"
DGB Haus Frankfurt
لندن
پنجشنبه ۲ ژوئن، ساعت ۴ و نیم بعد از ظهر
تجمع در مقابل دفتر تی یوسی در لندن
نزدیکترین ایستگاه قطار: توتنهام کورت رود
Address: Congress House, 23-

این دیپلماسی ننگین و نفرت انگیز است! گزارشی از اعتراض به حضور جواد ظریف در سوئد

برکناری مدیر کل کار آذربایجان غربی کافی نیست!

سیامک بهاری

سفر جواد ظریف و هیئت همراه او به سوئد با واکنش تند اعتراضی جامعه ایرانی و فعالین سیاسی روبرو گردید. سابقه تاریخی روابط گرم و همکاری های همه جانبه دیپلماتیک دولت سوئد با جمهوری اسلامی، همواره مورد اعتراض بحق اپوزیسیون سرنگونی طلب بوده است.

سفر هیئت های به اصطلاح دیپلماتیک جمهوری اسلامی به سوئد همواره با شدیدترین اعتراضات و به رسوایی کشاندن آن روبرو شده است.

برای سازمان دادن اعتراضات به سفر وزیر امور خارجه ایران و هیئت همراه، کمیته ای از احزاب، سازمانها و نهادها و شخصیت های چپ و سوسیالیست به نام "کمیته اعتراض" تشکیل گردید. این کمیته برای افشاگری و رسوا کردن اهداف ضد مردمی که تحت نام روابط دیپلماتیک و جلب توجه افکار عمومی پنج روز متوالی، پیش از این سفر، به برپایی تجمع های اعتراضی در مرکز شهر استکهلم، پرداخت و با پخش تراکت و اطلاعیه و سخنرانی های افشاگرانه مردم را به اعتراض علیه این سفر دعوت کرد.

اولین تجمع بعد از حضور هیئت جمهوری اسلامی در استکهلم در مقابل هتل محل اقامت آنها در سه شنبه شب ۳۱ مه شروع گردید و تا پاسی از شب ادامه یافت. در روز چهارشنبه اول ژوئن در دو محل یکی مقابل پارلمان و دیگری مقابل وزارت امور خارجه جمعی کثیر از ایرانیان معترض دست به تظاهرات پر شوری زدند. تجمع مقابل پارلمان در صفوف منظم با در دست داشتن باندرولها و پلاکاردهای اعتراضی با شعارهای کوبنده سرنگون باد جمهوری اسلامی و دفاع از خواسته های بحق مردم به تجمع مقابل وزارت امور خارجه پیوست. محل تجمع اعتراضی بصورت آشکار و واضحی توسط انواع امکانات پلیسی به محاصره در آمده بود. اما هر دم به کثرت جمعیت تظاهرکنندگان افزوده می شد.

طنین شعارهای سرنگونی طلبانه تظاهرات و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در داخل سالن مذاکرات ظریف و مقامات سوئد هم به گوش می رسید. شعارهای سرنگونی طلبانه به دو زبان سوئدی و فارسی مطالبات مردم را بازگو می کردند. بستن سفارت جمهوری

اسلامی بعنوان مرکز جاسوسی و تروریستی، خواست آزادی فوری و بی قید شرط زندانیان سیاسی، به اشکال مختلف فریاد زده شد. از دیگر شعارها، حکومت شلاق، اعدام ضد زن نمی خواهیم بود. رهگذران بسیاری با آگاهی از دلیل برگزاری تظاهرات و شنیدن شعارها، با تشویق جمعیت آرزوی موفقیت می کردند. در دو نوبت پلیس و گارد محافظ به صف تظاهرات یورش آورد و با وحشیگری دو تن را مجروح و یکی از فعالین محبوب و شناخته شده سیاسی را بدون توجیه پلیس بشدت بر جو اعتراضی تظاهرات افزود.

در پایان و پس از چندین ساعت اعتراض فشرده در مقابل ساختمان وزارت امور خارجه که محل دیدار رسمی با هیئت جمهوری اسلامی بود، حاضرین با صفوف فشرده و مصمم به سمت مرکز شهر راهپیمایی کردند و با بسیاری از رهگذران و توریست هایی که در محل بودند به بحث و گفتگو پرداختند. خبر اعتراض مخالفان جمهوری اسلامی همراه با خبر شلاق زدن به مردم توسط جمهوری اسلامی در رسانه های سوئد نیز انعکاس گسترده ای یافت.

با گسترش اعتراض علیه اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی در شلاق زدن به کارگران آق دره، ایلنا سایت وابسته به جمهوری اسلامی اعلام کرد که احتمال دارد مدیر کل کار آذربایجان غربی برکنار شود. جمهوری اسلامی میخواهد با برکناری یکی از مقاماتش خود را از مخصه نجات بدهد. رضا نقی زاده مدیر کل کار آذربایجان غربی، روسای دادگاهی که کارگران را به شلاق محکوم کردند و مزدورانی که به بدن کارگران شلاق زدند باید محاکمه شوند. اما اینهم کافی نیست. طبق قوانین قصاص جمهوری اسلامی روز ۶ اردیبهشت ۳۵ نفر از فارغ التحصیلان در قزوین شلاق زده شدند. صادر کنندگان و مجریان این حکم نیز باید محاکمه شوند و قوانین ضد انسانی قصاص مانند شلاق زدن و چشم درآوردن و دست و پا قطع کردن و سنگسار و اعدام باید به تمامی برچیده شود.

خبرها حاکی از این است که تا کنون متأسفانه سه نفر از کارگران معدن طلای آق دره به دلیل فشارهای کارفرما و اخراج و تحقیر و توهین و احکام صادره علیه آنها دست به خودکشی زده اند. مسئول جان آنها جمهوری اسلامی و

مزدوران حراست و کارفرمای مفتخور معدن آق دره است. باید مسئولین این وضعیت محاکمه شوند و شرایط غیر انسانی کار تغییر کند.

نفس اعلام احتمال برکناری مدیر کل اداره کار استان آذربایجان غربی نشان میدهد که چگونه انعکاس وسیع و فوری خبر جنایتکارانه شلاق زدن به کارگران تکاب و جوانان در قزوین، میتواند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کند. باید فشار را بیشتر کرد و جانباں را در افکار عمومی بین المللی بیش از پیش بی آبرو نمود. باید کاری کرد که بساط شلاق برای همیشه پایان یابد و سران جمهوری اسلامی مجبور شوند رسماً از مردم معذرتخواهی کنند.

حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران و معلمان، دانشجویان و سایر مردم آزاده را به گسترش اعتراض علیه شلاق زدن به کارگران و جوانان و تشدید مبارزه برای سرنگونی بساط حکومت شلاق و اعدام فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ خرداد ۱۳۹۵، ۳۱ مه ۲۰۱۶



مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran



سوسیالیسم همین امروز به چه معناست؟ از ما می پرسند: "سوسیالیسم همین امروز" یکی از شعارهای حزب است. چقدر این شعار با واقعیات امروز جامعه بشری و مشخصا ایران خوانایی دارد؟

کاظم نیکخواه پاسخ می دهد:



داده است. اکنون بر همه معلوم شده است که نتیجه افسارگسیختگی بیش از پیش سرمایه داری بازار آزاد در دوره بعد از جنگ سرد چیزی بجز انباشته شدن سریع ثروتهای نجومی در دست یک اقلیت مفتخور و فقر و ریاضت اقتصادی و بی حقوقی و بی تامینی برای اکثریت عظیم مردم جهان نبوده است. امروز دیگر حتی در کشورهای صنعتی غرب و در میان روشنفکران و آکادمیسینها و حتی کاندیداهای انتخاباتی سخن از سوسیالیسم و مقابله با یک درصدیهای حاکم در میان است. سوسیالیسم بیش از هر زمان دیگری ضرورت و نیاز مبرم دنیای بی افق و بحرانه حاضر است.

سوسیالیسم همین امروز یعنی برای تحول سوسیالیستی جامعه، برای خلاص شدن از دوره توحش بردگی مزدگی و حاکمیت بی دلیل یک اقلیت ستمگر و استثمارگر هیچ مرحله و فاز بینابینی لازم نیست. امروز بشر اگر اراده کند میتواند آزاد و مرفه و بدون تبعیض زندگی کند. همین امروز - و در واقع از مدتها قبل - شرایط اساسی و پایه ای برای پایه ریزی یک دنیای بهتر و انسانی و بدون طبقات مفتخور آماده است باید بدون هیچ تردیدی بسوی آن گام گذاشت و آنرا عملی کرد.

لشکر سوسیالیسم تبدیل نمیشوند. جامعه بطور خودکار طرفدار سوسیالیستها و طبقه کارگر نمیشود. برای این امر باید تلاش کرد، حزب درست کرد، تبلیغات کرد، نیرو جمع کرد، گرایشها بازدارنده و مسموم را افشا و خنثی کرد، کارگران و مردم را به عملی بودن و حیاتی بودن سوسیالیسم قانع کرد. و نیرو جمع کرد و سازمان داد. و این کاری است که ما بعنوان بخشی از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر داریم در حد توانمان انجام میدهم و سعی میکنیم کارایی مان را در این زمینه ها بالاتر ببریم و بهبود بخشیم تا بتوانیم موثر تر کار کنیم و موانع را عقب بزنیم و با سرعت بیشتری پیش برویم.

یکی از موانعی که باید بطور کامل کنار زده شود تبلیغات و تحریفاتی است که در باره شکست انقلاب اکتبر روسیه و تجربه دیکتاتوری های بلوک شرق و فروپاشی آنها صورت میگردد. بلندگوها و مدافعان سرمایه داری فروپاشی بلوک شرق در اواخر قرن بیست را پایان کمونیسم اعلام کردند و جنجال عظیمی بر سر آن برافراشتند که گویا سرمایه داری آخر دنیاست و سوسیالیسم به ناگزیر به دیکتاتوری و دیوار آهنین نظیر آنچه در بلوک شرق شاهد بودیم می انجامد و خیری از دنیای بهتر نیست و نخواهد بود و سرمایه داری پایان تاریخ است. این تبلیغات الان دیگر بی پایگی خود را تا حد زیادی نشان

تشتتی که در کمپ سرمایه ایجاد میکنند و به دلیل اینکه انسجام و کارکرد آنرا در برابر طبقه کارگر تضعیف و مختل میکنند، بعنوان شرایط مساعدی برای تحول عمل خواهند کرد. ثانیاً سرمایه داری در درون خود طبقه ای را ایجاد کرده و پرورش داده. طبقه کارگر. که هم تمام شریان های حیاتی جامعه را در دستهای خود دارد و هم مصالح و منافعی را ایجاد میکند که به نظم و مناسبات سرمایه داری پایان دهد و کل بشریت را از ستم و سرکوب و استثمار و تبعیضات خلاص کند. طبقه کارگر کاملاً این امکان و قدرت را بطور بالقوه دارد که علیه نظم موجود انقلاب کند و برای پیروزی انقلاب اجتماعی نیروی عظیم مردم جامعه را پشت سر خود بسیج کند. وجود طبقه کارگر که اکثریت جوامع کنونی را تشکیل میدهد فاکتور تعیین کننده امکان پذیری انقلاب کارگری است. هیچگاه در تاریخ هیچ طبقه ای اینچنین موقعیت مادی حیاتی در یک نظام نداشته است.

یک جنبه دیگر که باید مورد توجه قرار داد اینست که مبارزه طبقاتی میان طبقه کارگر و بورژوازی یعنی طبقه سرمایه دار طی دو دهه سیصد سال گذشته تاکنون به درجات زیادی انکشاف پیدا کرده، طبقه سرمایه دار را تا آنجا که نظام و مناسباتش اجازه حک و اصلاح میدهد عقب رانده، و ماتریال و تجربیات تاریخی و دستاوردهای عینی زیادی در اختیار طبقه کارگر و تشکلهای چپ قرار داده است. خود این هم یک فاکتور مساعدی برای تحول سوسیالیستی جامعه است.

اینجا جنبه های مهمی از شرایط و امکان تحول سوسیالیستی را نشان میدهد. اما امکان بالقوه یک تحول هنوز به معنای عملی بودن فوری آن نیست. کارگران بطور اوتوماتیک به

داد. پایان دادن به این نظام یعنی صاحب اختیار جامعه باید مردم باشند، ثروتهای اجتماعی باید در اختیار جامعه و همه مردم جامعه قرار گیرد، سود و ثروت انلوزی یک اقلیت کوچک نباید محرک و عامل سیاست گذار جامعه باشد، وسائل تولید اجتماعی نباید در مالکیت خصوصی یک عده معدود باشد و به کارمزدی یا در واقع بردگی مزدی باید پایان داده شود. همینها پایه و اساس سوسیالیسم را میسازد. ممکن است کسی بگوید الان امکان چنین تحولی وجود ندارد و هنوز زود است.

ما فکر میکنیم نه فقط پایان دادن به توحش سرمایه داری زود نیست بلکه بیش از حد دیر شده است. امکان یک تحول را با نیروهای ایجاد کننده آن تحول و شرایط آن بررسی میکنند. اولاً میشود بروشنی نشان داد که سرمایه داری یک نظام متناقض و بحران زده است. و بحرانهای مدام عمیق تر و عمیق تر میشود. این بحرانها معمولاً بهانه و بانی تشدید فقر و تبعیضات و گسترش رقابت خونین میان بخشهای متخاصم بورژوازی و جنگ و تروریسم و کشتار مردم میشود. اگر مردم از بحرانهای سرمایه داری برای پیش رفتن و تعرض کردن علیه آن استفاده نکنند همیشه همینگونه خواهد بود و حتی بدتر خواهد شد. یعنی سرمایه در بحرانهایش تعرضات و جنایاتش علیه جامعه را افزایش میدهد و با نابودی و به فقر کشاندن زندگی مردم بحران خود را تخفیف میدهد و دوباره وارد مسیر رشدش میشود. میشود این معادله را برعکس کرد. یعنی مردم از ضعف و بحران سرمایه داری و رقابت و شکاف در صفوف بورژوازی برای خلاص کردن خود از شر این نظام استفاده کنند. در این صورت این بحرانها به دلیل

سوسیالیسم همین امروز دقیقاً پاسخی به واقعیات امروز جامعه بشری است. یک پاسخ منطبق بر مصالح کل جامعه. سوسیالیسم همین امروز تاکیدی بر این است که اولاً سرمایه داری منتهاست بر همه جهان و از جمله ایران حاکم است و تمام مشکلات اساسی و مصائب اجتماعی از این نظام غیر انسانی و استثمارگرانه ناشی میشود. ثانیاً برای خلاص شدن از فقر و جنگ و تبعیضات اجتماعی و تروریسم و ناامنی و آوارگی و اعتیاد و نابودی محیط زیست و کلاً همه مصائب اجتماعی که مشغله هر روزه و نگرانی اکثریت عظیم مردم جهان است، باید دست به ریشه برد یعنی به نظم و قانون و مناسبات سرمایه داری پایان داد. ریشه مصائب جامعه بشری حاکمیت سیاست سود و سودجویی بر جوامع است.

اگر این واقعیت دارد که بجز یک اقلیت معدود واقعا همه مردم شریف جهان میخواهند از این مصائب و بلاها خلاص شوند، و هرکس راهی میجوید، این خود بیانگر اینست که این شعار مناسب ترین شعار برای دنیای امروز است. چرا که بر یک حقیقت بدیهی تاکید دارد و آن اینکه نمیشود از ناهنجاریهای عظیم اجتماعی خلاص شد مگر اینکه ریشه آنها که حاکمیت سرمایه و مناسبات سرمایه داری است خشکانده شود. همانطور که بیماریها را با خشکاندن عامل و میکروب و باکتری حامل آنها میشود معالجه کرد، دردهای اجتماعی را هم باید علت و ریشه اش را از بین برد تا معالجه شود. تا کی بشر باید با یک سیستم غیر منطقی و غیر انسانی و متضاد با روح انسانیت و جامعه انسانی بسازد؟ هرکس به این سوال با دقت فکر کند متوجه میشود که پاسخ همین است که به این نظام غیر انسانی باید هرچه زودتر پایان

Free

Jafar Azimzadeh!



Jafar Azimzadeh
LABOUR ACTIVISTS

جعفر عظیم زاده را آزاد کنید!



شامپاین برای امام حسین!

شدت میابد

از SNPL خلبانان در شرکت ایرفرانسه، اعلام کردند که در برابر برخی اقدامات سودجویانه که مدیریت می خواهد به اجرا در آورد در ماه ژوئن دست به يك اعتصاب سخت خواهند زد. از روز ۳۰ ماه مه بخش مراکز جدا سازی زباله ها در پاریس و شمال فرانسه دست به اعتصاب زده اند و همچنین ثبت اعلام کرده است در همین رابطه ممکن است دست به يك اعتصاب نامحدود بزنند. امروز اول ژوئن در مجلس بحثها بالا گرفت و نماینده حزب جمهوریخواه کریستین کوپ هولاند و والس را مسبب تمام این وضعیت دانست. والس پاسخ داد که این طرح برای اقتصاد فرانسه خوب است و شما اجازه بدهید که ما با دیالوگ اجتماعی به کارمان ادامه دهیم. با توجه به این بحث ها بنظر میرسد: ماه ژوئن ماه پر تلاطمی با توجه به برگزاری مسابقات فوتبال جام ملت های اروپا خواهد بود و در صورت ادامه اعتراضات و پافشاری اتحادیه ها بر خواست های کارگران دولت فرانسه مجبور به عقب نشینی هایی در مقابل کارگران خواهد شد. ادامه دارد..

با توجه به ادامه اعتصابات برخی از پالایشگاه ها وضعیت حدود ۳۰۰۰ پمپ بنزین همچنان با مشکل کمبود بنزین روبرو هستند. در جلسه ای توسط ۳ سندیکای راه آهن سراسری (ث.ژ.ت و اس.ا.و.د و او.ان.اس.آ) تصمیم گرفته شد که از ساعت ۱۸ امشب سه شنبه کارگران قطار سراسری. TGV با حجم ۶۰ در صد رفت و آمد، به يك اعتصاب نامحدود دست بزنند. همچنین TER قطارهای میان شهری ۱ روی ۲ قطارهای میان استان از هر ۴ تا قطار روی ۱۰ شامل این تصمیم میشود. در مجموع میشود گفت که 50 درصد از راه آهن فرانسه در اعتصاب هستند. در بخش پروازهای هوایمائی، تمام اتحادیه های کارگری از اداره کل هوایمائی کشوری (DGCA) اعلام کردند که از روز جمعه تا یکشنبه برای خواسته های خود (کاهش نیروی کار و مذاکره دوباره در چارچوب پاداش) دست به اعتصاب بزنند، اگر به خواسته هایشان نرسند، روز سه شنبه در يك جلسه نهایی تصمیمات نهایی خواهند گرفت. در همین حال، اکثریت اتحادیه



اسلامی متوقف شود. این جنبش سرآشتی با هیچ درجه از حکومت مذهبی و دخالت مذهب در زندگی انسانهای امروز ندارد. در پی ریشه کن کردن دخالت مذهب در حکومت و زندگی اجتماعی و تبدیل کردن مذهب به امر حقیقتا خصوصی مومنان است. در نتیجه جمهوری اسلامی که به ریسمان مذهب آویزان است و عمق جنبش ضد مذهبی را متوجه هست هرگونه اصلاح و تعدیل اسلام و حکومت اسلامی را برای موجودیت خود فوق العاده خطرناک میدانند و هیستریک به آن حمله میکنند.

این جنبش ضد مذهبی بنظم موضوع جهانی است. پیشروی مذهب و بخصوص اسلام سیاسی در دوره تهاجم نئوکسنسرواتیسیمی به بشریت در چند دهه گذشته، شرایط را برای يك موج برگشت عظیم ضد مذهبی فراهم کرده تا وظایف ناتمام رنسانس و انقلاب فرانسه و کمون پاریس را به پایان رساند. جنبش ضد مذهبی جاری در جامعه ایران در واقع پیشقراول این موج برگشت جهانی است و این عجیب نیست. چرا که این ارتجاع مذهبی و مشخصا شکل گیری جنبش اسلام سیاسی با سرکوب انقلاب ایران توسط خمینی و استقرار جمهوری اسلامی شروع شد.

اول جون ۲۰۱۶

است. شادی صدر سابقه فعالیت و همکاری با جناح اصلاح طلب جمهوری اسلامی و مشخصا کار در روزنامه فائزه هاشمی را دارد و در مجموع در سیاست ایران جزو آن طیف تعریف شده است. در نتیجه يك جناح کوشید تا از این موقعیت استفاده کند و عکس "توهین به سیدالشهدا" را به چماقی برای حمله به جناح دیگر و حتی "برجام" و غیره تبدیل کند.

اما اگر بخواهیم قدری عمیقتر نگاه کنیم، واقعه ای که خلاصه اشاره کردیم تنها بر متن جدالی جدی و وسیع در جامعه ایران میتواند صورت گیرد. در ایران يك جنبش ضد مذهبی وجود دارد که بسیار قوی و رادیکال است. این جنبش خواهان قطع اکید هرگونه دخالت مذهب و حکومت مذهبی در زندگی سیاسی و فرهنگی است. این جنبش آنقدر پر قدرت و وسیع است که حتی کسانی با سابقه شادی صدر را به اینجا میرساند تا بقول خود او "قداس زادی" از مقدسات مذهبی حکومت کنند. شاید با "تیت خیر" و برای تعریف نسخه های ملایمتر و قابل دوام تر از اسلام، اما چیزی که اینجا باید تاکید کرد این است که این جنبش ضد مذهبی بسیار رادیکالتر از آنست که در حد روایتی "مدرن" و اصلاح طلبانه از اسلام و حکومت

مصطفی صابر

هفته گذشته خانم شادی صدر عکسی در اینستاگرام خود منتشر کرد که سروصدای زیادی بویژه در فضای مجازی راه انداخت. در این عکس او سرخوشانه بر مبلی مزین به پرده های محرم و "امام حسین" نشسته و گیلای شامپاین در دست دارد. گویی به سلامتی حضرت می نوشد. گویی میخواهد نسخه ای مدرن از کنار آمدن با سنت محوری مذهب شیعه یعنی محرم ارائه دهد. شاید خود خانم صدر هم انتظار اینهمه خشم و نفرت و فحش های رکیک از سوی سایت و دستگاه های مختلف جمهوری اسلامی را نداشت. از آنسو، این عکس همانقدر که خشم و نفرت سربازان گمنام امام زمان را برانگیخت با استقبال وسیع کاربران عادی اینترنت روبرو شد. کسانی که جانشان از حکومت مذهبی در ایران با همه مراسم و قدیسانش، به لب رسیده است.

عده کمتر و کم تاثیرتری هم سعی کردند وسط بایستند. از خانم شادی صدر "فعال حقوق بشر" چنین حرکتی را "بعید" و "زشت" دانستند و خواهان "احترام به عقاید دیگران" شدند. جریانات حاشیه ای تری هم بودند. نظیر هواداران ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی که اینرا نشانه دیگری از تایید بر احساسات نژاد پرستان ضد عرب خود قلمداد کردند. یا ابراز تاسف و بیزاری برخی چپ های ضد امپریالیست که تنشان با هر "توهینی" به اسلام تاول میزند و ظاهرا اغلب مردم ایران را هم لشکر امام حسین میدانند.

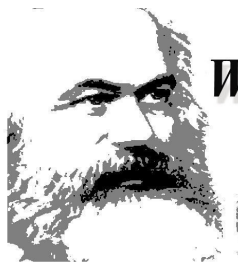
يك عامل بلافضل در مغلوبه شدن جنگ حول عکس ظاهرا بی آزار خانم شادی صدر، البته، دعوای و منازعات درونی جمهوری اسلامی



گرد همائی اعتراضی کارگران بازنشسته صنایع مخابراتی راه دور



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: بهار میلانی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود